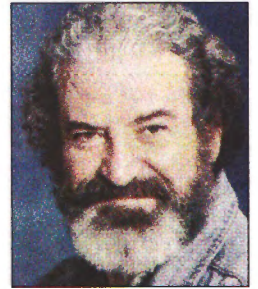


مروری بر نمایش «۲ لیتر در ۲ لیتر صلح»

## مضحکه ارزش های بشری



**کاظم هژیر آزاد** - روی صندلی تالار شمس که می نشینی، روبرویت زمینی شبیه زمین والبال می بینی که از وسط با خطوطی به رنگ آبی، به دو قطعه جدا تقسیم شده است. در یک طرف، زن و مردی، شهرام حقیقت دوست و سهیلا صالحی پشت به ما نشسته اند وزن و مردی دیگر در زمین آن طرف فرزین صابونی و نسیم ادبی نیز همین طور پشت به ما هستند. هنوز نمی دانیم چه خبر است. دو نوشته مشابه در هریک از خطوط پایین دست به چشم می خورد: اون طرفی ها نام نمایش

این فضا و صحنه به خصوص طراحی بروشور همراهِ بیان نوید می دهد که با یک نمایش طنز و سمبولیک روبرو هستیم. موزیک نیز بشارت می دهد که منتظر هیجان باشیم. لحظه ای چند از شروع نمایش نمی گذرد که می بینیم اینجا خط مقدم جبهه ی جنگ است و این زنان و مردان دو طرف، زن و شوهر نمادین، یا مردم دو کشورند که گوش به فرمان دستورات صادر شده، در مقابل یک دیگر موضع گرفته اند.

حالا معلوم می شود که نقش آبی جدا کننده این دو منطقه رود خانه ای به مثابه مرز آبی این دو کشور است. هر چهار زن و مرد ملبس به لباس ها و ابزارهای هستند که جنگی می نمایند، ولی شباهتی به لباس و ابزار جنگی واقعی ندارند طراح و کارگردان و طراح لباس سازان بیان به اتفاق و به عمد و به شوخی این لباس ها را به تن این جنگنده ها کرده اند، تا همه چیز این نمایش با طنز همخوانی داشته باشد. چراغ قوه به جای تفنگ، کاسه روحی به جای کلاه خود، و ای بسا که این کاسه ها به نشانه ی کلاه معیشتی است که بر سر این زنان و مردان رفته است.



تمام سرو صداها ی مختلف درگیری های حسی و عاطفی مربوط به این زنان و مردان درگیر در این میدان جنگ و صلح را « فرشاد فزونی » به تنهایی، با ابزاری چون (گیتار)، دستگاه افکت ساز، دهان، حنجره و صوت خودش به عنوان طراح موسیقی و مجری به اجرا در می آورد. در این جا او و موسیقی اش شخصیتی خاص و تاثیر گذار یافته و جزء جدائی ناپذیر از بازی ها و نمایش درمی آیند.

اتفاقی که ما با آن روبرو هستیم، همه زمانی و همه مکانی است و مربوط به جنگ و آدم و هویت مشخصی نیست.

لحن نمایش استعاری و نمادین است. از هر کلام و هر حرکت و هر تکه از لباس و ابزار صحنه و نقش های روی زمین، همگی استعاره های یک واقعیت دیگرند و تماشاگر را به اندیشه وا می دارند. نمایش با انرژی و ریتم تند این لعبتکان آغاز و به پایانی فاجعه آمیز «نیستی» منتهی می شود.

در این (دو قلمرو) دستورات جنگی و آتش بس و صلح و... از سوی گردانندگان ناپیدا راضیه برومند (صدای زن) بهرام شاه محمد لو (

صدای مرد و دستور دهنده) صادر می شود. بازیگران به شکل درشت نمایی شده ای (گروتسک) خود سخن نمی گویند، بلکه لب می زنند و حرکت می کنند. تنها گاهی صدا و کلماتی از آن ها می شنویم. گویی این موجودات، حتی زبانی برای گویش ندارند و وظیفه ی سخن گفتن شان هم به عهده خودشان نیست، برومند و شاه محمد لو، بیرون از صحنه که نور ضعیفی آنان را به تماشاگر هم نشان می دهد و هم نشان نمی دهد، از سوی این انسان های درگیر سخن می گویند. کار این دو، مانند هر چهار بازیگر این نمایش با مهارت انجام می گیرد، زیرا هم باید متن را از رو بخوانند و هم در فضای حس و حال و حرکت بازیگران، صدای حالات و رفتار و سکنتای را در آورند که سربازان بی صدا انجام می دهند. این دو، همراه با « فرشاد فزونی » در لحظات شیرین و کمیکی که بازیگران می سازند، دخالت موثری دارند. نویسنده و کارگردان حمید رضا آذرننگ

هوشیارانه همه چیز را به شوخی برگزار می کند. و این سخن « هملت » را در صحنه نمایش در نمایش به یاد می آورد که به شاه گفت: « به شوخی مسموم می کنند.» تو بگو آذرننگ بیرون از این گود، روبه تماشاگران می گوید: چیزی نیست « به شوخی می کشند.» که در واقع هیچ شوخی در میان نیست بلکه پرده برداری و افشای عین فاجعه ای است که به دست خود بشر، به نام تمدن و ارزش صورت می پذیرد. طراحی لباس به گویا تر نشان داده شدن این سیرک و شعبده ی بزرگ کمک شایانی می کند. درست است که این مناسبات خنده برلبمان می نشاند اما در پس این شوخی ها، طنزی گزنده و تلخ نهفته است و نیز در انتها، نابودی لعبتکان در این خیمه گاه بزرگ، نمایشگر واقعیت جهانی ابزورد و ناهنجار است. و فاجعه بار و تلخ تر این که عروسکان این خیمه شب بازی انسانی، باورمند به ارزش های دیکته شده اند و این شوخی ها و بازی های عروسک گردانان را در این رنگ باختگی ارزش ها جدی و ارزشمند تلقی می کنند. مافوق هدف مضحکه دولیتر در دولیتر صلح، هجو همین مناسبات این خیمه شب بازی بزرگ است.

## روی خط صوبابل، ایهل و... ا

۰۹۱۲۲۹۷۰۴۷۲

Sardabir.banifilm@gmail.com

به دلیل حجم بالای پیام های رسیده از سوی خوانندگان محترم، خواهشمندیم پیام هایتان را کوتاه بفرستید تا امکان درج پیدا کند.

## آبتین فکر آزاد - تهران

سلام. به نظر من آقای فرخ نژاد حق دارند از آقای کیمیایی با فیلم اخیرشان ابراز ناامیدی کنند. کاش آقای کیمیایی عزیز به سالهای درخشان کارشان بازگردند.

## کتایون تهرانی - تهران

سلام لطفا برای آشنایی بیشتر، بیوگرافی از مایا انجلو در روزنامه بنویسید. با سپاس. بانی فیلم: سلام و حتما سعی می کنیم مطلبی از این نویسنده تاثیر گذار چاپ کنیم.

## کیلا فراهانی پور -

سلام، آیا آقای کیمیایی برای همیشه از ایران خواهند رفت؟ ممنون.

بانی فیلم: سلام. جواب شما منفی است. آن گونه که ما اطلاع پیدا کردیم مسعود کیمیایی فرار است سفری به آمریکا داشته باشد.

## یاسمن مهماندوست -

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما. خواهش می کنم ما را از حال استاد انتظامی بی خبر نگذارید. با سپاس.

بانی فیلم: سلام بر شما. عزت ... انتظامی روز شنبه هفته پیش در بیمارستان دی تهران مورد عمل جراحی قرار گرفت که پس از دو روز بستری شدن در بخش آی سی یو، پس از مساعد شدن حالش به بخش منتقل و دو روز پیش هم از بیمارستان مرخص شد.